

Reading of the semiotics of the socio-cultural codes of the national ritual “Nowruz” and its common beliefs (Based on the two axes of syntagmatic and paradigmatic)

Maryam Bakshayesh*, Mehya Alavi Moghaddam**, Hassan Delbari***, Abbas Mohammadian****

Abstract

Semiotics is an approach that analyzes the semiotic system and studies the mechanisms of production, transfer and reception of meaning. Ancient customs and rituals as a cultural sign/representation of human thought and thinking with a symbolic meaning provide an interpretation of the world and human worldview and play an important role in social cohesion. Semiotics was founded in the late 19th century by American philosopher Charles Sanders Peirce and Swiss linguist Ferdinand de Saussure. According to Saussure, semiotics is an approach in the dual field of signifier and signified and semantic significations, but according to Peirce, every sign has three components: example, interpretation and interpretation. This research, using an analytical-descriptive method, has investigated the prominent socio-cultural symbols of Nowruz ritual and its common beliefs in the temporal axis, such as seven sin, cleanliness, Nowruz sightings and visits, and the presence of Haji firouz. The results of this reading in the axis of syntagmatic and paradigmatic and in the implicit meaning (level three) according to Peirce's theory, peace and balance, blessing, happiness and order in the individual axis, justice and justice and peace and friendship in the social axis and finally identity and sustainable development It is on a national scale.

Key words: semiotics, socio-cultural codes, Nowruz ritual, syntagmatic and paradigmatic axis, Saussure, Peirce.

*PhD student of Persian language and literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran:
borzoiy.maryamb@gmail.com

** Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar,
Iran (corresponding author).
m.alavi.m@hsu.ac.ir

*** Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar,
Iran.
h.delbari@hsu.ac.ir

**** Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar,
Iran.
a.mohammadian37@gmail.com

How to cite article:

Bakshayesh, M., Alavi Moghaddam, M., Delbari, H., & Mohammadian, A. (2024). Reading of the semiotics of the socio-cultural codes of the national ritual «Nowruz» and its common beliefs (Based on the two axes of syntagmatic and paradigmatic). *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(1), 99-122. doi: 10.22077/jcrl.2024.6946.1075





خوانش نشانه‌شناسی رمزگان اجتماعی - فرهنگی آیین ملی «نوروز» و باورهای عامه آن (بر پایه دو محور هم‌نشینی و جانیشینی)

مریم بخشایش*، مهیار علوی‌مقدم**، حسن دلبری***، عباس محمدیان****

چکیده

نشانه‌شناسی، رویکردی است که به تحلیل نظام نشانه‌ای و مطالعه سازوکارهای تولید، انتقال و دریافت معنا می‌پردازد. رسوم و آیین‌های کهن به‌عنوان نشانه/بازنمودی فرهنگی از اندیشه و تفکر انسانی با منشی نمادین، تفسیری از جهان و جهان‌بینی انسان ارائه می‌دهد و نقش مهمی در انسجام اجتماعی دارد. چارلز سندرس پیرس، فیلسوف آمریکایی و فردیناند دو سوسور، زبان‌شناس سوئیسی در اواخر قرن نوزدهم نشانه‌شناسی را پایه‌گذاری کردند. به نظر سوسور، نشانه‌شناسی، رویکردی است در زمینه دوگانه دال و مدلول و دلالت‌های معنایی، ولی از نظر پیرس، هر نشانه دارای سه جزء است: بازنمون، تفسیر و موضوع. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی به خوانش عناصر درون‌متنی در رمزگان‌های برجسته اجتماعی - فرهنگی آیین نوروز در محور در زمانی پرداخته است. رسم کهن نوروز به‌عنوان نشانه/بازنمودی فرهنگی با نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و بیشتر نشانه نمادین، تفسیری از جهان و جهان‌بینی انسان، ارائه می‌دهد که در جهان معاصر به‌واسطه سیطره ارتباطات مجازی در حال کمرنگ شدن هستند و امکان بهره‌برداری از معانی عمیق نهفته در این رسوم آیینی در ابعاد گوناگون توسعه هدف این پژوهش بوده است؛ بنابراین، نتایج این خوانش در محور هم‌نشینی و جانیشینی و در معنای ضمنی (سطح سه) طبق نظریه پیرس با نشانه/بازنمون‌های نمادین، نمایه‌ای و شمایی در متن نوروز: آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی، عدالت و دادگری و صلح و دوستی در محور اجتماعی و معنای کاربردی توسعه پایدار از طریق توسعه گردشگری فرهنگی بوده است.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، رمزگان اجتماعی - فرهنگی، آیین نوروز، محور هم‌نشینی و جانیشینی، سوسور، پیرس.

borzoiy.maryamb@gmail.com
m.alavi.m@hsu.ac.ir
h.delbari@hsu.ac.ir
a.mohammadian37@gmail.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)
*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
**** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

۱. مقدمه و بیان مسئله

نشانه‌شناسی، رویکرد پژوهشی کیفی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، تعبیر آن‌ها، قواعد حاکم بر نشانه‌ها و نظام نشانه‌ای می‌پردازد و ابزاری پژوهشی برای فهم حقیقت پنهان در پس علائم، رمزها و نشانه‌ها و نمادها به دست می‌دهد. «آدمیان از طریق خلق، ابداع و تفسیر نشانه‌ها و آیات و نمادها معنا می‌آفرینند» (ضمیران، ۱۳۸۳: ۴۰). اهمیت این تحلیل به‌گونه‌ای است که برخی نشانه‌شناسان ادعا می‌کنند می‌توان همه‌چیز را تحلیل کرد. «دانش نشانه‌شناسی، بررسی معنا، فرایند شکل‌گیری نشانه‌ها و فهم ارتباطات معنادار است. نشانه‌شناسی شامل مطالعه ساخت و شکل‌گیری نشانه‌ها، اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان‌های ارتباطی است» (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۷).

فرهنگ را می‌توان با مفاهیم نشانه‌شناسی تحلیل کرد؛ «زیرا شالوده رفتار فرهنگی انسان‌ها، معانی‌ای هستند که نشانه‌ها (معنایی فراتر از نشانه‌های زبانی و شامل ایماژها و نمادها) برای اینان به وجود می‌آورند. به قول سوسور، نشانه‌شناسی دانشی برای مطالعه درباره حیات نشانه‌ها و در چارچوب جامعه است» (ر.ک: 2. (Combe & Crowther. (2005)). نشانه‌شناسی به تحلیل متن می‌پردازد. نشانه‌شناس نمی‌تواند نشانه‌ای را منفک از رمزگانی که آن را ساخته است، بررسی کند. متن، حاصل هم‌نشینی سازه‌های درونی است که در کنار هم و در محور هم‌نشینی و جانشینی، به واسطه رمزگان‌های متعدد قابل خوانش است. در این پژوهش، سازه‌های درون‌متنی در ارتباط با هم و در محور هم‌نشینی طبق نظریه سوسور و در الگوی سه وجهی پیرس در نشانه‌شناسی که شامل بازنمون، تفسیر و موضوع است، قابل خوانش و نشانه‌شناسی هستند. از منظر مطالعات فرهنگی، آیین‌های ملی از جمله آیین نوروزی، به مثابه یک متن، دارای سازه‌های درونی‌اند و این سازه‌ها، دال‌هایی به شمار می‌روند که نیازمند تفسیر و تحلیل هستند و لازم است رمزگان اجتماعی و قراردادی و فرهنگی آن‌ها، کشف شود تا به مدلول آن‌ها دست یافت. نشانه‌شناسی، همه کنش‌ها و عناصر درونی و برونی متن این آیین‌ها را نشانه تلقی می‌کند و بر آن است قوانین و چارچوب‌هایی را که اعضای جامعه خودآگاه و ناخودآگاه پذیرفته‌اند و توسط آن‌ها به پدیده‌ها معنا بخشیده‌اند، روشن سازد. به قول پیرس، فقط در پرتو نشانه است که می‌توان اندیشید. یکی از جذابیت‌های نشانه‌شناسی، ارتباط میان پدیده‌های نامربوط به هم است؛ یعنی جستجوی آنچه در زیر مشهودات پنهان است و می‌تواند به یک بینش و باور بینجامد.

مراسم و آیین‌های ملی و باستانی، به‌عنوان یک متن فرهنگی، آن دسته از باورها، سنت‌ها و آیین‌هایی است که به همراه آثار و سرمایه‌های برجای مانده از تمدن کهن، بیانگر هویت ملی یک ملت به شمار می‌روند. فرهنگ نوعی متن است که منتقدان ادبی می‌توانند آن را قرائت کنند. ... از منظر مطالعات فرهنگی هر جا با مجموعه‌ای از دال‌ها و مدلول‌ها مواجه باشیم؛ در واقع با نوعی متن سروکار داریم (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۶۵)؛ بنابراین،

در این پژوهش به آیین فرهنگی نوروز به صورت متن توجه شده که عناصر درون این متن به شکل واژه در جمله در کنار هم (محور هم‌نشینی) به عنوان نشانه دانسته شده و تحلیل گردیده است. البته این تحلیل در محور در زمانی یعنی در طول تاریخ و نیز با تمسک به نظریه پیرس در نشانه‌شناسی با سه نوع نشانه تحلیل شده که نشانه نمادین که ارتباط دال با مدلول قراردادی و اجتماعی است، برای این تحلیل کاربردی‌تر بوده است. مراسم ملی رایج در ایران، ریشه در تاریخ کهن این سرزمین باستانی دارد و القا کننده هویت ملی، قومی و بومی مردم است که قابل خوانش و نشانه‌شناسی هستند.

روش تحلیل متون ادبی را می‌توان در خوانش متون زندگی روزمره به کار برد. در مطالعات فرهنگی نه فقط مصطلحات نقد ادبی مانند متن و قرائت را برای اهداف خود به عاریت گرفت، بلکه روش‌شناسی متنوعی از قبیل روانکاوی، ساختارگرایی، نشانه‌شناسی و ... که منتقدان نقد ادبی برای نقد رمان، شعر و ... به کار می‌برند به منظور تحلیل موشکافانه معانی و دلالت‌های رفتارهای آحاد جامعه در زندگی روزمره می‌توان اختیار کرد (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۶۶).

البته اگر رمزگان‌ها به تنهایی بررسی و نمادشناسی شوند، ما وارد علم نشانه‌شناسی نشده‌ایم، در حالی که این پژوهش نشانه‌های نمادین را در کنار هم و در محور هم‌نشینی مورد خوانش و معناکاوی قرار داده است. پس نمادشناسی نشانه‌ای در کنار نمادهای شمایی و نمایه‌ای طبق نظر پیرس در تنظیم جدول پایانی به کار آمده است.

هر نشانه، اگر قرار باشد نشانه به حساب آید، باید به یک نظام نشانه‌ای تعلق داشته باشد و در این نظام در تقابل با سایر واحدهای تشکیل دهنده آن نظام قرار گیرد. فرض کنید من بخواهم به مطالعه رنگ سفید لباس عروس بپردازم، اگر گزارش من به این نکته محدود شود که سفید نماد پاکی است و اولین بار ملکه ویکتوریا در مراسم عروسی اش لباس سفید پوشیده، تنها به لغت معنی پرداخته‌ام. کار نشانه‌شناس از آنجا آغاز می‌شود که معلوم کند در جوامع مختلف، این رنگ لباس در تقابل با چه رنگ یا رنگ‌های دیگر است یا در چه موقعیتی از چنین ارزشی برخوردار است. ... دومین نکته در مطالعه نشانه‌ها، برحسب تقابلش با سایر واحدهای تشکیل دهنده یک نظام، در مفهومی غیر از خود به کار رفته باشد. ... سومین نکته به حضور یک نشانه مربوط می‌شود؛ یعنی چرا از میان مجموعه نشانه‌های ممکن الوقوع، یکی را انتخاب کرده‌ایم و در ترکیب با سایر نشانه‌ها قرار گرفته‌اند (صفوی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹).

بنابراین، در خوانش عناصر درون‌متن نوروز به دال و مدلول‌های اسطوره‌ای برخورد می‌کنیم که برحسب نوع انتخاب و ترکیب نشانه‌ها از معنای نمادین خود فراتر می‌روند و در لایه‌های معنایی بعد از خود به مفاهیم اجتماعی و فرهنگی اشاره دارند که ذهن منتقد ادبی را از معنای صریح به معنای ضمنی و بعد معنای کاربردی رهنمون ساخته‌اند. اگر قرار باشد نشانه‌ای واقعاً نشانه محسوب شود، باید قراردادی شده باشد و این یعنی نشانه

نمادین پیرس. به قول و نظر کورش صفوی «من نشانه را تنها زمانی نشانه می‌دانم که قراردادی شده باشد؛ یعنی آن نشانه اجتماعی شده باشد» (همان: ۳۲۰).

نوروز آیینی اسطوره‌ای است، مهم‌ترین کارکرد اسطوره از دیدگاه الیاده «کشف و معنادار کردن سرمشق‌های نمونه‌وار همه آیین‌ها و فعالیت‌های معنادار آدمی‌ست از تغذیه گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۳-۹). می‌توان افزود «هر اثر اسطوره‌ای روایتی‌ست که خود، یک اثر ناب ادبی و از هنرهای کلامی محسوب می‌شود» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۹: ۶۵). صفوی در کتاب *نشانه‌شناسی ادبیات*، مطالعه اسطوره را به‌عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌ها در نظر گرفته است. او اشاره کرده است که مالینفسکی بر حقیقت اسطوره‌ها تأکید داشته است و بر این باور بوده که هر اسطوره‌ای برای توجیه ناشناخته‌ای در جهان واقعیت پدید می‌آید. بارت نیز به حقیقت اسطوره‌ها در طول زمان باور دارد و به نشانه‌شناسی اسطوره پرداخته است (ر.ک: صفوی، ۱۳۹۳: ۲۲۴).

در ضرورت بررسی و نشانه‌شناسی نوروز برای دستیابی به معنای کاربردی باید گفت: خوانش، نشانه‌شناسی و معناکاوی آیین‌های ملی و فراملی فرهنگی، بهره‌بردن از زیبایی‌های ظاهری و ارتقای سطح نقد در ادبیات و علوم انسانی، درک هویت ملی و مفاهیم زیباشناسی این آیین‌ها و دریافت احساسات عمیق انسانی و ارتباط اجتماعی مؤثر، در جهت حرکت به سمت توسعه پایدار، گسترش تبادلات فرهنگی و تعالی دنیای آینده، از بزرگ‌ترین دستاوردهای نشانه‌شناسی این آیین‌ها به شمار می‌رود. بر این اساس و نیز به دلیل پژوهش‌های اندک و پراکنده و گاه نامنسجمی که در حوزه نشانه‌شناسی در آیین‌های ملی و فرهنگ و باورهای عامه نوروز انجام شده است. این پژوهش می‌کوشد پس از بررسی دقیق و کاملاً علمی در نظریه‌های نشانه‌شناسی و معناکاوی به تدوین یک روش علمی و دقیق برای خوانش معنایی پردازد و با کشف و تدوین دلالت‌های معنایی در سازه‌های درونی و برونی متن این مراسم فرهنگی و تاریخی، به یاری محورهای هم‌نشینی و جانشینی برآمده از نشانه‌شناسی، در سطح منطقه‌ای و ملی به واسطه شناخت و معرفی این آیین‌ها از جنبه معنایی پردازد.

۱-۱. پیشینه و روش تحقیق

سجودی (۱۳۹۳) در کتاب *نشانه‌شناسی کاربردی* به بحث نشانه‌شناسی و تعریف نشانه، متن، رمزگان، نشانه‌شناسی لایه‌ای و مواردی از این دست پرداخته است. پاینده (۱۳۹۸) در جلد دوم کتاب *نظریه و نقد ادبی*، به بیان مفهوم مطالعه فرهنگی و نشانه‌شناسی پرداخته و نمونه‌هایی از متون را بر اساس نقد ادبی مبتنی بر مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی مورد خوانش و قرائت قرار داده است. نجومیان (۱۳۸۹) در کتاب *نشانه‌شناسی فرهنگی*، مجموعه مقالات نقدهای ادبی، هنری را مورد واکاوی قرار داده است. استوری (۱۳۹۸) در کتاب *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، به خوانش و رمزگشایی از

گفتمان تلویزیون و نیز داستان‌های عامه‌پسند، فیلم، موسیقی و نیز خرید به منزله فرهنگ عامه پرداخته شده است. تودور (۱۳۹۲) در کتاب *نظریه و روش در مطالعات فرهنگی*، در مورد ساختارگرایی و مطالعات فرهنگی سخن گفته است. اکو (۱۳۹۹) در *نشانه‌شناسی/مبوتو* به مباحث نشانه‌شناسی از دیدگاه اکو اشاره دارد. ساسانی (۱۳۸۹) در کتاب *معناکاوی: به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی* به شناخت معنا و نشانه‌معناها و نیز نظریات برجسته در این زمینه یاری می‌رساند. علوی مقدم (۱۴۰۰) در مقاله «کارکرد معیارهای نشانه‌ای، ساختاری، ارزشی و نقشی در تحلیل فرایند زایشی معنا و دلالت‌پردازی در نظام نشانه‌ای زبانی و ادبی» به تحلیل فرایند زایشی معنا و نظام نشانگانی زبان به یاری معیارهای چندگانه برپایه معیارهای نشانه، ساختار، ارزش و نقش می‌پردازد. چند مقاله، درباره جشن‌های مهم ایرانی از جمله: نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، مهرگان و سده در مجلات معتبر علمی و پژوهشی به چاپ رسیده است. در این مقالات به جنبه اسطوره‌ای و نمادین بودن برخی از آیین‌ها اشاره شده است. از جمله: مقاله «بررسی جشن‌های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده» (۱۳۹۵) نوشته الهام ولایتی و مقاله «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی» (۱۳۹۲) نوشته علیرضا قبادی و «جشن‌های اسطوره‌ای ایران نماد فرهنگ و تمدن قوم آریایی» نوشته منیره خلیلی محله و دیگران و مقالات دیگر. به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناسی با رویکرد مطالعات فرهنگی در خوانش متن آیینی و ملی ایران، نوروز، انجام نشده است و این خلأ پژوهشی نویسندگان را به انجام این پژوهش واداشت.

در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای، روش تحلیل داده‌ها از نوع کیفی و روش استدلالی از نوع «استدلال استقرایی» (از جزء به کل) است. این پژوهش بر آن است با تحلیل و خوانش نشانه‌های درون‌متن آیینی نوروز به معناکاوی این رسم کهن پردازد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. آشنایی با نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسور و پیرس

فردیناند دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷م) زبان‌شناس سوئیس، برای نخستین بار اصطلاح نشانه را به کار برد و به مطالعه زندگی و حیات نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی و مطالعه زبان پرداخت. او بر این باور بود که «می‌توان علمی را در نظر گرفت که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی می‌پردازد. این علم، بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه، بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که ما آن را نشانه‌شناسی می‌نامیم» (۱۳۸۲: ۲۴). سوسور، الگویی دوجهی یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند. از دید او نشانه از دال یا تصور صوتی و مدلول، یعنی مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند و یا تصور مفهومی، تشکیل شده است. در مورد دلالت معتقد است «دلالت، رابطه ایجابی است که بین دال و

مدلول برقرار است. نشانه‌زبانی متشکل از یک دال و یک مدلول است که رابطه بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد؛ دلالت می‌نامند» (همان: ۱۷۳).

در نظام نشانگانی زبان، نشانه‌ها ذاتاً مستقل نیستند. نشانه کلیتی است که به سبب وجود رابطه و یا نقش بین معنا و لفظ پدید می‌آید. در نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسوری، رابطه نشانه دال و مدلول، رابطه‌ای منطقی و بدون حضور عامل انسانی است، اما در نشانه‌شناسی پیرسی، رابطه دال و مدلول، رابطه‌ای متقارن بود و نشانه‌ها از دیدگاه چارلز سندرس پیرس، سلسله قواعدی برای مطالعه همه چیز بودند برخلاف سوسور که آن را فقط در زمینه قراردادی ارتباط مطرح می‌کرد (ر.ک: علوی مقدم، ۱۴۰۰: ۴۲).

اما از نظر چارلز سندرس پیرس (۱۹۱۴-۱۸۳۹م) فیلسوف آمریکایی «نشانه چیزی است که با شناسایی آن می‌توانیم چیزهای بیشتری بدانیم» (یوهانس و لارسن، ۱۳۸۸: ۵۵). به نظر او تمام اندیشه‌های انسان توسط نشانه‌ها یا دقیق‌تر توسط ارتباط نشانه‌ها، مدلول و تفسیرکننده معلوم می‌شود. فرایند معناسازی، همان ارتباط میان این سه عامل است که در پرتو بحث دلالت، محقق می‌شود» (رضوی فر و غفاری، ۱۳۹۰: ۸). از دید پیرس نشانه دارای الگوی سه وجهی است:

- نمون یا بازنمودن: ابزاری که چیزی را به ذهن متبادر می‌کند و در واقع شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد و می‌توان آن را نشانه نامید که معادل دال است.

- تفسیر: آنچه به ذهن شنونده متبادر می‌شود و همان ادراکی است که نشانه به وجود می‌آورد که می‌توان آن را معادل مدلول نامید.

- موضوع: چیزی که نشانه بر آن دلالت می‌کند و به آن ارجاع می‌دهد که همان موضوع یا مصداق است. ناگفته پیداست که موضوع یا ابژه، الزاماً یک هستی فیزیکی در جهان خارج نیست (چندلر، ۱۳۹۴: ۶۰)؛ به‌طورکلی می‌توان گفت: «یک بازنمون چیزی است که برای کسی بنا به دلایلی به چیز دیگری دلالت می‌کند. بازنمون در ذهن آن شخص، نشانه معادلی را پدید می‌آورد... این نشانه دوم را تفسیر می‌نامم. این نشانه دلالت بر یک موضوع دارد» (Peirce, 1931-1985: 2/228).

۲-۲. رمزگان

رمزگان مفهوم مهم دیگری است که در بحث نشانه‌شناسی مورد اشاره قرار می‌گیرد، چراکه در خوانش هر متن ناچار هستیم نشانه‌ها را با توجه به رمزگان مناسب تفسیر کنیم. «رمزگان عبارت از مجموعه نشانه‌هایی که میان ارسال کننده پیام و دریافت کننده آن پیوند برقرار می‌کند» (ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۳۲). رمز باعث معنادار شدن نشانه‌ها می‌گردد، «رمز، چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنادار می‌شوند» (همان: ۱۳۳). از این رو، همان‌گونه که گفته شد مفهوم رمز در نشانه‌شناسی، بسیار بنیادی است. رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که بر اساس آن عناصری انتخاب می‌شوند که با یکدیگر، ترکیب شده و

عناصر جدیدی را می‌سازند.

انواع رمزگان در قالب علمی (منطقی)، زیبایی‌شناسی و اجتماعی - فرهنگی قابل تفکیک‌اند و دارای تمایزات و وجوه اشتراک می‌باشند:

- شاخص عملیاتی رمزگان منطقی: از نظر ماهیت بر اساس نظامی از اصول بدیهی و عینی طرح‌ریزی شده‌اند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و انسان با طبیعت است. دامنه کاربرد این رمزگان در هماهنگ کردن کنش‌ها، تنظیم حرکات جمعی در افراد جامعه، انتقال اطلاعات و فرمان‌ها و بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده است. انواع رمزگان منطقی در نظام‌های علامتی، قوانین، برنامه‌های آموزشی و... مشاهده می‌شود.

- شاخص عملیاتی رمزگان زیبایی‌شناسی: از نظر ماهیت، غالباً منش شمایی دارند؛ با آفرینش همراه‌اند و از تجربه احساسی نشئت گرفته‌اند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و طبیعت است. دامنه کاربرد این رمزگان در انتقال چندوجهی معنا است در این رمزگان، خود پیام موضوع است. انواع رمزگان زیبایی‌شناسی در هنر، ادبیات، معماری و... دیده می‌شود.

- شاخص عملیاتی رمزگان اجتماعی - فرهنگی: از نظر ماهیت، فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، اما در عین حال، او هم حامل نشانه است و هم جوهر آن را نهادینه می‌کند. تفوق در دلالت‌های انسان با انسان است و نشئت گرفته از تجربه منطقی و احساسی است. دامنه کاربرد، برای سازمان‌بندی جامعه و سازمان دلالتی به کار می‌رود. انواع رمزگان اجتماعی مانند آیین‌ها، جشن‌ها، مراسم، میثاق‌ها، رمزگان ادب و بازی‌ها و... (ر.ک: Danesi, 2007)؛ به نقل از ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۲).

۲-۳. بازشناخت عناصر برجسته آیین و باور عامه «نوروز»

نوروز به معنای روز نوین، بر نخستین ماه سال خورشیدی اطلاق می‌شود. نوروز، جشن آغاز سال و اعتدال بهاری است. تقی‌زاده درباره وجه تسمیه این جشن اشاره می‌کند: «از آن‌جا که کلمه سال از سرد آمده، اسم اصلی نوروز در آغاز نوسرد به معنی سال نو بود و بعدها روز ششم فروردین یا نوروز بزرگ نوسرد خوانده شد» (۱۳۴۹: ۲۱۲).

نخستین روز است از فروردین‌ماه، و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشن‌هاست و ششم فروردین‌ماه، نوروز بزرگ دارند زیرا که خسروان بدان پنج روز حق‌های حشم و بزرگان و گروهان بگزاردندی و حاجت‌ها روا کردند، آن‌گاه بدین روز ششم خلوت کردند، خاصگان را و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آن است که اول روزی است از زمانه، و بدو فلک آغازید گشتن (بیرونی، بی‌تا: ۲۵۳).

ابوریحان بیرونی در کتاب خود، قانون مسعودی، درباره انتخاب نوروز، به‌عنوان روز نو و

نخستین روز از سال نو، می‌گوید: نوروز و روز نو، اول روز پارسیان است و آن طولانی‌ترین روزهای سال است و از جمشید به یادگار مانده است. علت انتخاب نوروز، به دو دلیل است: نخست علت طبیعی، چون شناخت آن به واسطه درازی سایه در ظهر، مشخص است و بر اعتدالی ترجیح دارد. دوم می‌گویند در این روز جمشید به جنگ رفت و روز پنجم، با پیروزی برگشت و این روز، نوروز بزرگ نامیده شد. در این روز آب‌پاشیدن به هم سنت شد چون به اعتقاد آنان اسم روز پنجم، اسفندارمذ، همان اسم موکل آب است (ر.ک: بیرونی، ۱/۲۶۱؛ به نقل از مدرسی، ۱۳۶۶: ۱۰۴). نویسنده تاریخ مروج الذهب می‌نویسد: «پارسیان به جهت کیسه، در هر ۱۲۰ سال، یک ماه اضافه می‌کردند و کراهت داشتند هر چهار سال، یک روز اضافه کنند تا روزهای سعد و نحس آن‌ها به هم نخورد» (همان). نوروز اسطوره جاودانگی است، ایجاد آرامش و شادی انسان‌ها برای خود یک مفهوم دایره‌وار تصوّر می‌کرده‌اند که از یک نقطه آغاز می‌گردید و با گردش مدور همان نقطه، پایان می‌یافت. با نوروز، کهولت زمان از یادها می‌رفت و همه آفریده‌ها جان تازه می‌یافتند. این اسطوره آفرینش یا بازگشت ادواری، به‌زعم الیاده، مسئله برانداختن تاریخ و واژگونی زمان را مطرح می‌کند (ر.ک: الیاده، ۱۳۶۵: ۸۳). جستجوی زندگی جاوید، رایج‌ترین مفهوم اسطوره‌ای در اسطوره‌های جهان است. این مفهوم به شکل «فرار از دنیا و بازگشت به بهشت، سیر عرفانی در زمان و نامیرایی و داشتن عمر جاوید» است (گورین و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۶). فروهرها، جوهر حقیقی و محرک همه عالم هستند؛ به عبارت دیگر، فروهرها برای نخستین بار به ماده اعم از جمادی، نباتی و حیوان تعین می‌بخشند. «هیچ موجود مادی و غیرمادی در جهان وجود ندارد که حقیقتی، فروهری نداشته باشد. حتی اهورامزدا، دارای فروهر است» (رجبی، ۱۳۶۲: ۹۹۶). در ایران باستان در شب نخست سال به یاد فروهرها چراغ روشن می‌کردند و حتی در پشت‌بام‌ها غذا می‌گذاشتند. به مناسبت نزول فروهرها باید خانه پاکیزه می‌بود گل و شیرینی گذاشت و سفره‌ای که محتوی هفت‌سین دارد، گسترده (ر.ک: بهار، ۱۳۷۴: ۵۷۴).

در ایران باستان، ماه فروردین‌ماه فروهرهاست. همان‌طور که گفته شد، فروهرها گونه‌ای از روان آدمی یا نوعی همزاد آدمیان هستند. همان‌گونه که هر یک از آفریدگان مادی یک اصل مینوی دارند، انسان هم یک خود آسمانی دارد که فروشی یا فروهر اوست. فروهرها به مدت ده شبانه‌روز از جایگاه اصلی‌شان در آسمان فروهرهای نیاکان به هنگام «گاه‌نبار همس‌پت‌مدیم» به زمین فرود می‌آیند. از همین‌روست که گیاهان و سبزه‌زارها پدید می‌آیند. فروهرها ده روز مهمان خانه و خانواده خود هستند پس باید پاکیزگی و صلح باشد تا فروهرها برای خانواده برکت و شادی طلب کنند (همان: ۲۳). در فروردین‌یشت، فقره ۴۲ آمده است: «فروهای نیک توانای پاک مقدسین را می‌ستایم که در هنگام همس‌پت‌مدیم، از آرامگاه‌های خود بیرون شتابند در مدت ده شب پی‌درپی در اینجا برای آگاهی یافتن به‌سر برند» (پورداوود، ۲/۱۳۷۷: ۷۱).

در زمان ساسانیان در شب آغاز همسپت‌مدیم گاه یعنی روز بیست و ششم اسفند، آتش افروخته می‌شده است. گویا از این رو بوده است که فروهرها با دیدن دود و آتش، خانواده خود را بازشناسند و بدان سوی پرواز کنند. «آتش‌افروزی پیش از نوروز بر بام‌ها که در ایران کهن مرسوم بوده است و امروزه نیز در روستاها معمول است؛ گویا برای راهنمایی فروهرها به سوی دودمان خود است» (فروه‌وشی، ۱۳۸۸: ۲۸). نوروز شهادی بر فرهنگ عدالت و دادگری است. در عصر هخامنشی و ساسانی تمام ملل امپراتوری در جشن طبیعت شرکت می‌کردند و با آوردن مالیات مخصوص این آیین به دولت ایران، به نوعی به گفتگوی تمدنی و بده‌بستان‌های میان‌فرهنگی، دست می‌زدند؛ علاوه بر این، پادشاهان ایرانی، در این جشن، بی‌حاجب و دربان بارعام می‌دادند و به تظلم و دادخواهی مردم می‌پرداختند (امین، ۱۳۸۳: ۵).

۳. تحلیل داده‌ها: نشانه‌شناسی سازه‌های برجسته درونی متن آیین نوروز

۳-۱. خوانش رمزگان برجسته اجتماعی - فرهنگی متن آیین نوروز بر پایه محورهای هم‌نشینی و جانشینی

یکی از اصول و مبانی بنیادین در صورت‌گرایی و نشانه‌شناسی، تمایز بین دو محور هم‌نشینی و جانشینی است که در تحلیل متن‌های «زبانی» و «ادبی» و هر متنی از جمله آیین‌ها و نیز در تحلیل فرایند یادگیری زبان در کودک، نقش بسزایی دارد. در حوزه زبان و متن زبانی، شبکه روابط متقابل واحدهای زبان بر اساس محور هم‌نشینی و جانشینی زبان و «ساخت» زبان، خود را می‌نمایاند. در این حالت، واحدی از روی محور جانشینی انتخاب می‌شود و بر روی محور هم‌نشینی قرار می‌گیرد که مجاورتش با دیگر واحدهای موجود بر روی محور هم‌نشینی، تابع قواعد ترکیب‌پذیری معنایی نیست، به همین دلیل بر شبکه نشانه‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین انواع انتخاب‌ها از روی محور جانشینی و قرار دادن این انتخاب‌ها بر روی محور هم‌نشینی است، به شکلی که ترکیب حاصل، بر شبکه نشانه‌های نظام زبان تأثیر بگذارد. فرایند نقد و تحلیل زبان‌شناختی متن‌های ادبی نیز در همین چارچوب است. ما، در محور جانشینی، چند صورت آوایی (همان دال) داریم که می‌توانیم هر یک از آن‌ها را انتخاب کنیم. در این فرایند، ما با نشانه‌های زبانی سروکار داریم که یک دال را به یک مدلول پیوند می‌دهد. بنا به گفته سوسور، نشانه‌های زبانی پدیده‌ای روان‌شناختی و دوسویه است و دو عنصر تصوّر معنایی (مدلول) و تصوّر صوتی (دال) وابسته به یکدیگرند و هر یک متضمن حضور دیگری است و پیوند این دو، «نشانه» را پدید می‌آورد. بر اساس روابط جانشینی و هم‌نشینی، می‌توانیم فرایند گریز از قواعد زبان خودکار و ابزارهای آفرینش ادبی را تحلیل کنیم. همان‌طور که در مقدمه گفته شد، نوروز چون متنی مورد خوانش و تحلیل قرار گرفته است.

بر این اساس متن نوروز، آغازگر رستاخیز طبیعت، گاه رویش و زایش، تجلی‌گاه

یگانگی، هم‌اندیشی، هم‌دلی و هم‌کنشی انسان است با روزگار و زمان. با اتکا به اصول و مبانی پیش‌گفته، آیین نوروزی در وهله نخست از دو وجه، قابل نشانه‌شناسی و معناکاوی است. نخست از جنبه ساختاری و به لحاظ چگونگی هم‌نشینی عناصر آیین نوروزی و دیگری محور جانشینی در بخش نشانه‌شناسی از مفاهیم و کنش‌ها با توجه به الگوی نظریه سوسور و پیرس. برخی از عناصر مراسم آیینی نوروز در قالب بیانی ویژه به‌عنوان نشانه یا بازنمونی نمادین، نمایه‌ای و شمایی در یک محور هم‌نشینی در ساختار کلی متن و در مناسبت با یکدیگر و در یک توالی در زمانی مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به الگوی سه‌گانه پیرس از نشانه، تفسیر هر یک از این نشانه/بازنمون‌ها به‌عنوان معنای صریح در سطح یک و در مرحله بعد، معانی ضمنی در دو سطح به‌عنوان موضوع نشانه مورد خوانش قرار گرفته است. از سه نوع نشانه که پیرس مطرح می‌کند، نشانه‌های نمادین در متون اساطیری برجستگی قابل توجهی دارند؛ چراکه دارای ماهیتی عرفی و قراردادی‌اند، فرایند تعبیر از طریق یادگیری است و بازنمایی کننده مفاهیم قراردادی‌اند که در این جداول تحلیل و تفسیر شده‌اند. در خوانش و تحلیل از نشانه‌های نمادین و قراردادی در متن نوروز به نشانه‌های نمایه‌ای و شمایی برخورد شده است که در رمزگشایی سطوح و لایه‌های عمیق‌تر معنایی کارگشا بوده است.

در تداعی معانی سطح یک، ویژگی‌های حسی، شکلی و عملکردی مراسم به‌عنوان رمزگان‌های اجتماعی و هویتی، مورد نظر است و سطوح دیگر معنا (سطح ۲ و ۳) از انطباق در زمانی عناصر به‌کاررفته اعم از طبیعی و تجربیدی با ارزش‌های فرهنگی و اسطوره‌ای مخاطب مورد خوانش و تداعی قرار گرفته‌اند. این معناکاوی در رابطه هم‌نشینی زنجیره‌ای بین اجزا، دلیلی است بر بخشی از فرهنگ ملی ایران که تداعی کننده شورش و نشاط اجتماعی، تعاون و همکاری همگانی در محور خانوادگی و اجتماعی است و در محور جانشینی و نمادین این حقیقت را آشکار می‌سازد که این آیین ملی حرکتی است نمادین، نمایه‌ای و شمایی برای ایجاد آرامش، کسب برکت و مکننت فردی، خانوادگی، جامعه در نهایت انسجام اجتماعی، صلح و عدالت و توسعه پایدار در سایه هویت ملی و باستانی ایران. از معانی خوانش شده در سطح ۳ معانی ضمنی، ایجاد انسجام اجتماعی است. اعیاد و جشن‌های ملی، نماد همبستگی ملی محسوب می‌شوند. مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تاسی از آداب و رسوم کهن، همدلی و هم‌اندیشی خود را به‌گونه‌ای نمادین، نمایه‌ای و شمایی به نمایش می‌گذارند و از این طریق حداقل سالی یک‌بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان و میراث‌های کهن، روح جمعی با هم‌وطنان خود تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند (ر.ک: جدول ۱).

در نشانه‌شناسی اجتماعی تلاش بر این است که راه‌های تولید و انتقال معنا در موقعیت‌ها و بسترهای خاص چون خانواده یا موقعیت‌هایی که نشانه‌شناسی در آن‌ها تثبیت شده و آداب و رسوم و قواعد، آن را احاطه کرده‌اند، تحلیل شوند (Kress & Van, 1996).

266). نشانه‌هایی چون آداب معاشرت به فرهنگ‌های مختلف تعلق دارند و در واقع سازه‌های فرهنگی، محسوب می‌شوند (رک: Hatmim & Mason, 1990: 115). باید گفت: نماد و نشانه جزو مفاهیم اساسی در موضوع آیین‌هاست. در نشانه‌شناسی متون آیینی منبع معنا قراردادی و در ذهن است «از نظر پیرس، در نشانه‌های نمادین، منبع معنا در ذهن است» (Violi, 1999: 744).

اکنون به خوانش مهم‌ترین عناصر رمزگان برجسته در آیین نوروز در دو محور هم‌نشینی و جانشینی و درک معانی ضمنی می‌پردازیم. از رمزگان اجتماعی- فرهنگی برجسته نوروز، رسم چیدن سفره هفت‌سین، نظافت و پاکیزگی و دیدوبازدیدهای نوروزی، سیزده‌بدر و حضور حاجی‌فیروز است (جدول ۱).

الف. رمزگان اجتماعی- فرهنگی رسم چیدن سفره هفت‌سین

یکی از رمزگان اجتماعی- فرهنگی برجسته نوروز «رسم چیدن سفره هفت‌سین» است که می‌توان آن را نشانه‌ای نمادین دانست که مدلول آن تلاش برای کسب برکت و دفع بلا در محور جانشینی است. در گذشته، در روزهای فروردگان در گورستان‌ها و پشت‌بام‌ها برای پذیرایی ارواح، خوراکی می‌گذاشتند. سفره هفت‌سین می‌گذاشتند (رضی، ۱۳۹۴: ۸). این عمل، نشانه‌ای نمایه‌ای است که مدلول آن خشنودکردن و کسب رضایت آن‌ها و بالاخره با کسب رضایت فروهرها، کسب برکت و دفع بلا بوده است.

هفت‌سین، از دیرباز در ایران، هفت سینی از دانه‌هایی است که به سفره‌ها برکت می‌بخشد. هفت‌سین، شاید بازمانده هفت سینی است که نماد سبزی و خرمی بوده و با گذشت زمان هفت سینی به هفت میوه، گل یا سبزی و یا چیزهای دیگر که با سین، آغاز می‌شوند، تبدیل شد. هفت‌سین شامل سبزه، سمنو، سیب، سرکه، سنجد، سکه و سیر است که در کنار این‌ها، آینه و شمعدان، تخم‌مرغ رنگ‌شده و ماهی هم اضافه شده است (آموزگار، ۱۳۷۰: ۲۵).

برای نشانه‌شناسی عناصر سفره هفت‌سین، باید ابتدا به فلسفه وجودی چیدن این سفره در محور درزمانی پرداخت. نماد و نشانه جزء مفاهیم اساسی در موضوع آیین‌هاست. یکی از مفاهیمی که ترنر به آن اشاره می‌کند، نماد آیینی است. او معتقد است که «نمادها معانی پیچیده‌ای را در خود نهفته دارند. نمادها می‌توانند دارای معانی متفاوت و متغیر باشند؛ بنابراین، باید در تعبیر آن‌ها از روشی پویا و قابل انعطاف و چندگانه استفاده کرد» (فکوهی، ۱۳۹۰: ۶۲۲). مردم دوران باستان با چیدن این سفره، نوعی مراسم آیینی برای هفت امشاسپند اجرا می‌کرده‌اند و آنچه بر روی سفره قرار می‌داده‌اند بر اساس دیدگاه پیرس به نشانه نمادین و قراردادی هرکدام نماد یک امشاسپند بوده است.

برجستگی عدد هفت، در سفره هفت‌سین، در خوانش جانشینی اجزا در کنار هم قابل توجه است. در اسطوره‌ها اعداد حامل رمزها و نمادهای بسیار هستند. اعداد بیانگر کمیّت

نیستند، بلکه کیفیت درونی اشیا را نیز دربر می‌گیرند. عدد هفت از ترکیب اعداد سه و چهار حاصل شده است. «عدد چهار نماد و رمز چرخه زندگی و چهار فصل دانسته‌اند. این عدد نماد تمامیت، عقل و عدل است از سویی نماد چهارضلعی و استحکام است» (ر.ک: کوپر، ۱۳۸۶: ۲۷). عدد سه یکی دیگر از اعداد اسطوره‌ای است که «نماد روحانیت، نور و آگاهی‌ست» (ال گورین، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

هفت در ارتباط با هفت روز هفته، هفت مرحله کمال، هفت فلک و... است. هفت، نماد حلقه کامل کمال پویاست. هفت در ارتباط با عدد سه که نماد آسمان است و عدد چهار که نماد زمین است، نمایانگر کل جهان در حال حرکت است. در سراسر جهان، عدد هفت، نماد یک کلیت پویا و کامل است. هفت نماد غایت جهان و برکت زمان است و تمامیت زمان و مکان را دربر می‌گیرد (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۵۶۵-۵۵۷). آموزگار (۱۳۷۰: ۲۵) هفت‌سین را چنین تفسیر کرده است:

سبزه نمودار سبزی و زینت؛ سیب میوه‌ای بهشتی و نماد زایش؛ سمنو، نماد رویش و برکت؛ سنجد، محرک عشق و دلدادگی؛ سپند دور کردن چشم بد، برکت؛ آینه و شمع، نماد نور و روشنایی، سیر، داروی تندرستی و از میان برنده دردها، سماق، صبر و پایداری، تخم‌مرغ نماد نطفه و باروری است.

با توجه به مطالب قبل می‌توان در نشانه‌شناسی سفره هفت‌سین در محور هم‌نشینی به نشانه‌های نمایه‌ای بلاگردانی، برکت، آرامش و سلامتی و نشانه‌های نمادین طلب خیر، پاکی و باروری رسید. هفت‌سین به نشانه نمایه‌ای دالی است که مدلول آن خشنودی فروهرها و کسب برکت و شادی در لایه‌های ضمنی آن به نشانه نمایه‌ای است. شاید بتوان خود سفره را با نشانه شمایی به زمین تفسیر کرد که حالت دایره‌وار بودن آن و نیز خوراکی‌هایی که در مقیاس کوچک‌تر از زمین تداعی‌کننده جذب خیر و برکت و دفع شر و بلا و در لایه عمیق‌تر معنا مکانی پاک و مقدس در زمان مقدس جاودانگی دانست.

ب. رمزگان اجتماعی - فرهنگی «رمزگان نظافت و پاکیزگی»

از دیگر رمزگان اجتماعی - فرهنگی برجسته نوروز، «رمزگان نظافت و پاکیزگی» است. در این مورد، آنچه هنوز هم پابرجاست، سنت گردگیری، نظافت و خانه‌تکانی است. گردگیری و نظافت در محور هم‌نشینی با دیگر سازه‌های نوروز مانند پوشیدن لباس نو، آتش افروختن و دیدوبازدید، با نشانه نمایه‌ای توجه به زیبایی و پاکیزگی، با نشانه شمایی تکرار نو شدن با نو شدن طبیعت، نشانه نمایه‌ای، جلب توجه فروهرها، در محور جانیشینی و لایه عمیق‌تر معنا، نشانه‌ای نمایه‌ای برای کسب شادی و برکت، تکریم طبیعت و تکریم خانواده با اعتقاد به حضور درگذشتگان نیک و بزرگان خود است.

برافروختن آتش، به نشانه نمایه‌ای دالی است که مدلول آن در ترکیب هم‌نشینی با عنصر گردگیری و نظافت، نشانه پاکیزگی و کمال است. آتش در متن نوروز از دال‌های برجسته است

که در شناخت معنا و مفهوم متن در یک زنجیره هم‌نشینی با سایر سازه‌ها بسیار کاربردی است. بن‌مایه اهمیت آتش در آیین‌ها جایگاه خاصی دارد. در دین زرتشتی، «آتش نماد اهورامزدا و کانون عبادت‌های روزانه آنان است. باین‌حال هنوز به آتش جنگجو خطاب می‌کنند، زیرا از مقدس‌ترین آتش‌ها یعنی بهر درخواست می‌شود که نه با دیوان خشک‌سالی بلکه با دیوان مینویی نبرد کند» (هیلنز، ۱۳۶۸: ۵۰). در آیین‌هایی که همراه آتش است، نوع چوبی که سوزانده می‌شود؛ مهم است. «بعضی وقت‌ها لازم است که آتش نذری یا سایر آتش‌های مقدس با تراشه‌هایی از درخت خاص افروخته شود» (فریزر، ۱۳۸۴: ۷۶۷).

آتش به نشانه نمادین، دالی است که در کاربردی مثبت نشانه و نابودکننده ناپاکی‌های درونی و بیرونی است «آتش نماد پاکی است. گویاترین گواه بر طهارت ناپاکی‌هاست» (باشلار، ۱۳۶۸: ۳۲). آتش نیروی محرک و زندگی است. از سوی دیگر، نور، آتش روشنایی و خورشید همگی از مظاهر اهورامزدا به حساب می‌آیند به همین سبب آنها را نابودکننده پلیدی‌ها، بیماری و زشتی شمرده‌اند (ر.ک: صرفی، ۱۳۸۰: ۳۵). برافروختن شمع و روشن کردن آتش نشانه‌ای نمایه‌ای است بر پاکی و معنویت، چراکه آتش ناپاکی‌ها را می‌سوزاند در زمان ساسانیان در شب آغاز همسپه‌مدیم گاه یعنی روز بیست و ششم اسفند، آتش افروخته می‌شده است. گویا از این‌رو بوده است که فرورهاها با دیدن دود و آتش، خانواده خود را بازشناسند و بدان سوی پرواز کنند. «آتش‌افروزی پیش از نوروز بر بام‌ها که در ایران کهن مرسوم بوده است و امروزه نیز در روستاها معمول است؛ گویا برای راهنمایی فرورهاها به سوی دودمان خود است» (فره‌وشی، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ بنابراین، برافروختن آتش با نشانه‌های نمایه‌ای راهگشایی برای حضور فرورهاها و تکریم و احترام به درگذشتگان با نشانه‌های نمادین و اجتماعی آگاهی و معرفت، آرامش، آسودگی، پاکی است. لازم به یادآوری است که نظافت همواره با آب همراه بوده است. آب نشانه/ بازنمونی نمادین است که مدلول آن، پاکی و زندگی و باروری است. «آب وسیله طهارت آیینی است. علامت برکت است، نماد زندگی معنوی و ذات خداوندی است. آب نیروی حیات و بارورکننده است و نیروی ناخودآگاه و قدرت شکل روح و انگیزه پنهان آن است» (ر.ک: شوالیه و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۷). آیین طهارت در تمام آیین‌های ملی دیده می‌شود. «طهارت با آب، یعنی پاکی از ناپاکی‌ها است از طریق غسل یا وضو یا هرگونه طهارت آیینی، فضایل و نیکی‌ها از سرچشمه آب جذب می‌شود، آب پاک می‌کند، برمی‌انگیزاند، بهبود می‌بخشد، حاصلخیز می‌کند و نماد باروری است» (همان: ۲۳۳-۲۳۰)؛ بنابراین، پاشیدن آب در نوروز نشانه‌ای نمادین است که در لایه‌های بعدی خود با نشانه شمایی شباهت با باران در سطح دوم معنا با نشانه نمایه‌ای کسب برکت و توسعه کشاورزی خوانش شده است.

پ. رمزگان اجتماعی - فرهنگی «حاجی فیروز»

حاجی فیروز، نوازنده و خواننده دوره‌گرد و از کهن‌ترین پیک‌های نوروزی است که

هدفش اعلام پایان زمستان و نزدیکی بهار، تبریک سال نو و دریافت پول یا هدیه به‌عنوان شادباش است. «حاجی‌فیروز، از ترکیب دو واژه حاجی از ریشه یونانی hagios به معنای مقدّس که به تمام مقامات مهری اطلاق می‌شده و فیروز تشکیل شده است؛ بنابراین، حاجی‌فیروز، برابر هاجیوس نبرد به معنای فیروز مقدّس بوده است» (فضایلی، ۱۳۸۸: ۸). مهرداد بهار، پیشینه حاجی‌فیروز را فراتر از تاریخ پنداشته و آن را بازمانده آیین بازگشت ایزد شهیدشونده می‌داند. به اعتقاد وی چهره سیاه حاجی‌فیروز نماد بازگشت از جهان مردگان است و لباس سرخ او نیز نماد خون سرخ سیاوش و حیات مجدد ایزد شهیدشونده. همچنین شادی او، شادی زایش دوباره آن‌هاست که رویش و برکت با خود می‌آورد (ر.ک: بهار، ۱۳۸۶: الف/۲۹۰-۲۸۹).

یکی دیگر از خاستگاه‌های حاجی‌فیروز را باید در ارتباط با آیین‌های دین میترا جستجو کرد. «ششمین منصب از مناصب آیین میترا، هلیودروموس (پیک خورشید) است تصویر او بر روی دیوار مهرابه‌ای در رم، در حالی نقش بسته که وی جامه‌ای سرخ بر تن، کمربندی زرد بر کمر و گویی آبی‌فام در دست دارد» (ورمازون، ۱۳۴۵: ۱۹۰-۱۸۹). لباس مهری، به‌طور عمده شلوار و بالاپوشی سرخ سرکج و چکمه سرخ بود. به قیاس می‌توان گفت: حاجی‌فیروز، یکی از مقامات مهری است به این دلیل که اصل واژه نبرد لقب ایزد مهر و یکی از القاب سوشیانت، به معنای پیروز و فاتح است که در میان پیروان یونانی آیین مهر، رایج بوده است و از پارسی باستان است. «فیروز مقدّس، پیک خورشید است که خبر رسیدن بهار و نوروز را می‌دهد و بشارت‌دهنده جلوه کامل مهر بعد از سیاهی زمستان است (فضایلی، ۱۳۸۹: ۲۷).

محدوده زمانی حضور حاجی‌فیروز، در کوی و برزن از روزهای پایانی سال و نزدیک عید نوروز آغاز می‌شود (یوسفی‌زیرابی، ۱۳۸۹: ۲۶؛ شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۵۹؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۸۸). هرچند برخی منابع «به‌طور مشخص ده روز قبل از عید نوروز (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) یا نخستین روز سال نو دانسته‌اند که تا سیزدهمین روز نوروز ادامه می‌یابد» (شهری، ۱۳۸۶: ۲۸۲/۱). سودابه فضایلی از پژوهشگرانی که حاجی‌فیروز را با نگاهی نمادین بررسی کرده است معتقد است:

جامه سرخ حاجی‌فیروز، نشانی از خورشید دارد و رنگ سیاه صورتش، نشانه تعالی یا رنگ زمستان و میثاق بهار است. کلاه و تاج رنگین او نیز علامت قدرت کامل، اختیار مطلق، سر و تفکر است. تاج او نماد شرافت، قدرت و صدارت تلقی می‌شود. به دلیل خواستگاه خورشیدی‌اش، نشانی از قدرت الوهی اوست. همچنین کمربندی که به دور کمرش بسته، نشانه تسلیم کامل در مقابل ذات حق و نیز نماد مراقبه و تمرکز است. دایره زنگی یا دفی که می‌نوازد؛ کنایه از آسمان و نمادی از شادی و سبکی محسوب می‌شود. راه رفتن او با کفش یا چکمه، به معنای تملک زمین، نماد سفر به عالم دیگر و به همه جهات است. (۱۳۸۸: ۶-۷).

بنابراین از رمزگان برجسته دیگر در متن آیین نوروزی، «حاجی فیروز» است. حاجی فیروز در محور هم‌نشینی با دیگر سازه‌های برجسته، چون دیدوبازدیدهای نوروزی، لباس نو بر تن کردن، چیدن سفره هفت‌سین، نظافت و گردگیری، نشان شادی و نشاط و کسب رضایت فروهرها و با نشانه‌نمایه‌ای، جذب برکت و بلاگردانی است که در محور جانشینی، تداعی‌بخش زایش دوباره زمین و میثاق بهار، با نشانه‌شمایلی تکریم طبیعت و تکریم خانواده و در خوانشی ضمنی، با نشانه‌نمایه‌ای دلیل و نشان انسجام اجتماعی و هویت ملی است. برای برقراری یک ارتباط اجتماعی موفق و پایدار، افراد باید هویت و تعلقات اجتماعی مشترکی داشته باشند «شناخت نشانه‌های هویت و به تبع آن شناخت نشانه‌های معاشرت در برقراری ارتباطات انسانی، از بایدهای اجتماعی محسوب می‌شود؛ در واقع بررسی رمزگان اجتماعی به‌عنوان یک راهنما در یافتن نقاط مشترک و در نتیجه برقراری یک ارتباط نسبتاً پایدار اهمیت دارد (ر.ک: گیرو، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۶).

ت. رمزگان اجتماعی-فرهنگی سیزده‌بدر

رسم اجتماعی دیگری که در ایام نوروز بوده و هنوز هم به‌خوبی در روز سیزدهم فروردین اجرا می‌گردد، سیزده‌بدر است. بنا بر تقویم بابلی سال به دوازده روز بوده است و سیزده را جزء اوقات نحس، به شمار می‌آورده‌اند. چون اخترشناسان قدیم، معتقد بودند که روز قرار گرفتن آفتاب و ماه روبه‌روی هم نحس است و باید دست از کار کشید، پس بهتر است که از خانه بیرون روند تا نحسی سیزده به آن‌ها رو نکند. نیز می‌توان احتمال داد که نحسی روز سیزده، بدان روی است که در پایان دوازده روز، آشفستگی نهایی پایان سال بر خود داشت. چون دوازده روز به‌منزله دوازده ماه و خود به‌منزله دوازده‌هزار سال بود که نزد ایرانیان باستان، عمر جهان به شمار آمده است. پس از آن جز به هم‌ریختگی و گسیختگی کیهان چه روی خواهد داد؟ مگر آن‌که به تحقق اسطوره آفرینش دیگر چشم‌دوزیم و باور کنیم که هر نوروز جلوه‌گاه آفرینش تازه‌ای است (ر.ک: بهار، ۱۳۶۱: ۷۷۸).

سیزده‌بدر با نشانه‌ای نمایه‌ای و شمایللی دالی است که مدلول آن در معنای ضمنی سطح دو، دوری از آشفستگی پایان سال، نحس دانستن عدد سیزده در میان ایرانیان و شادی و نشاط در دل طبیعت است که در معنای ضمنی سطح ۳، با نشانه‌نمایه‌ای ذهن را به سمت‌وسوی آشتی با طبیعت، آرامشی به دور از استرس و اضطراب نحسی این روز، صلح و دوستی با خویشاوندان و در نهایت انسجام اجتماعی در سالی پر از خیر و برکت رهنمون می‌سازد.

نتیجه‌گیری

- معنا برآیندی از هم‌کنش پارامترهایی چون سازه‌هایی درونی متن و بخشی ناشی از بیناکنش تولیدکننده و خوانش‌گر متن و بخشی متأثر از بافت برون متن و شرایط اجتماعی، فرهنگی متن در محور درزمانی است که نمی‌توان هیچ‌کدامشان را از هم تفکیک کرد. معنا

فرایند پیوندها و رابطه‌هاست، پیوندهایی که به بیان متعارف در زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی در دو محور هم‌نشینی و جانشینی میان سازه‌های مختلف برقرار می‌شود. بازخوانی روابط هم‌نشینی در سازه‌های درونی متن آیین ملی نوروز، جانشینی و رمزگان متون در محورا فقی و در کنار سایر متون آیینی، بر پایه رابطه بینامتنی درون فرهنگ صورت می‌گیرد. روابط جانشینی در محور طول صورت می‌پذیرد که مناسبات در زمانی را تشکیل می‌دهند. در محور هم‌نشینی مناسبات هم‌زمانی شکل می‌دهند و به معنابخشی با رمزگان اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند. با بررسی رمزگان‌های نمادین اجتماعی و فرهنگی برجسته نوروز در محور در زمانی، مانند رسم چیدن سفره هفت‌سین، نظافت و پاکیزگی، دیدوبازدیدهای نوروزی و حضور حاجی فیروز، معانی تکریم خانواده و تکریم طبیعت، شورونشاط اجتماعی، همکاری و تعاون خوانش شده است.

- در تداعی معانی سطح ۱، طبق نظریه پیرس، ویژگی‌های حسی، شکلی و عملکردی مراسم به‌عنوان رمزگان‌های اجتماعی و هویتی، مورد نظر است و سطوح دیگر معنا (سطح ۲ و ۳) از انطباق در زمانی عناصر به‌کاررفته اعم از طبیعی و تجربیدی با ارزش‌های فرهنگی و اسطوره‌ای مخاطب مورد خوانش و تداعی قرار گرفته‌اند. در خوانش نشانه‌شناسی عناصر برجسته در رمزگان اجتماعی نوروز از خوانش نمادین این نشانه‌ها به نشانه‌های نمایه‌ای و شمایی و گاهی هر سه نشانه رسیده‌ایم که از معانی خوانش شده در سطح ۳ معانی ضمنی، با تأکید بر این نکته که مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب و رسوم کهن، همدلی و هم‌اندیشی خود را در نشانه‌های نمادین به نمایش می‌گذارند و از این طریق حداقل سالی یک‌بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان و میراث‌های کهن و روح جمعی با هم‌وطنان خود را تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند. این نشانه‌های اجتماعی و قراردادی در سطوح و لایه‌های ضمنی خود با نشانه/بازنمون‌های شمایی و نمایه‌ای معانی ایمان، آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی، عدالت و دادگری، صلح و دوستی در محور اجتماعی، هویت ملی در نهایت معنای کاربردی توسعه پایدار از طریق گردشگری فرهنگی خوانش گردید (جدول ۱).

- در خوانش عناصر برجسته رمزگان اجتماعی - فرهنگی نوروز در محور هم‌نشینی و جانشینی، به معانی تکریم خانواده و تکریم طبیعت، شورونشاط اجتماعی و انسجام و عدالت در سایه هویت ملی اشاره شده است و در مورد خوانش مفهوم توسعه پایدار از متن نوروزی باید گفت: در فرهنگ نوروز، رابطه انسان با طبیعت و محیط‌زیست به اشکال گوناگون متجلی می‌شود. نوروز با روز نخست بهار و حیات دوباره طبیعت آغاز می‌شود و با روز سیزده‌بدر و روز آشتی با طبیعت پایان می‌یابد. یکی از رسوم نوروز نیز سبزه کاشتن است که به‌صورت نمادین نشانه تکریم طبیعت و توجه به رویش و سبز شدن است. توجه به طبیعت که موجب آشنایی و هم‌زیستی با طبیعت است، جایگاه محیط زیست و حفظ آن در فرهنگ ایرانی را به تصویر می‌کشد. از ویژگی‌های توسعه پایدار، توجه به

طبیعت و حفظ محیط زیست است. «توجه به مسائل زیست‌محیطی موجب شکل‌گیری توافقات و سازمان‌های مختلف فراملی شده است. بنابراین، مسائل زیست‌محیطی، نمادی از مسائل مشترک جهانی است که هم‌گرایی بیشتر در عصر جهانی را کمک‌کننده است» (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

– در خوانش معنای کاربردی از معانی نهفته در سازه‌های درون و برون‌متنی این آیین برجسته‌ملی، می‌توان به معنای کاربردی توسعه‌پایدار از طریق توسعه گردشگری فرهنگی اشاره کرد. از پیامدهای اجتماعی فرهنگی برگزاری آیین‌ها و مراسم ملی می‌توان به حفظ و ثبت میراث فرهنگی و هویت ملی، گسترش خدمات رفاهی و رشد و توسعه اقتصادی، حفظ تحکیم مناسبات اجتماعی، کمک به جریان جامعه‌پذیری، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به منشأ فرهنگی رفتارها و کنش‌ها، کاهش تنش‌ها و اختلافات بین فردی و اجتماعی، برانگیختن حس مشارکت اجتماعی، گسترش مبادلات بین فرهنگی، توسعه زیرساخت‌ها و توسعه گردشگری و... اشاره کرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود آیین‌ها به همان شیوه سنتی و باستانی اجرا گردند، البته در کنار این جشن‌ها و آیین‌های باستانی و اسطوره‌ای از سایر جشن‌ها و اعیاد بومی و مذهبی نیز استفاده گردد و سعی شود دستگاه‌های اداری متولی و برگزارکننده این مراسم باشند و با تمهیدات برنامه‌ریزی‌شده و دقیق، در اجرای منظم این آیین‌ها که هویت ملی و فرهنگی مملکت ماست، همکاری و همراهی نمایند.

جدول ۱. خوانش نشانه/ بازنمون‌های متن آیینی نوروز از منظر مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی

| اجزای نشانه | بازنمون/ نشانه | تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح) | موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی) | خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی) |
|--------------------------------------------------------------|--------------------------|---------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نشانه‌شناسی متن آیینی نوروز در یک رابطه در زمانی | ۱. جشن نوروزی | مراسم آغاز بهار، جشن تجدید سال، نوروز خاصه و عامه | تکرار نمادین با نشانه‌ نمادین و شمایی امر آفرینش و باززایی جهان، نامیرایی و جاودانگی، اعتقاد به حضور فروهرها، با نشانه شمایی تکریم طبیعت، با نشانه نمایه‌ای تکریم خانواده | با نشانه‌ نمایه‌ای دلالت بر آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی (پاکیزگی و نظافت)، عدالت و دادگری، صلح و دوستی در محور اجتماعی=توسعه پایدار |
| | ۲- نظافت و خانه‌تکانی | پاکیزگی در بهار طبیعت، همکاری اهل خانواده | با نشانه‌ نمایه‌ای حضور فروهرها و تکرار نمادین امر نو شدگی، با نشانه شمایی تجدید خلقت | با نشانه‌ نمایه‌ای برکت و بلاگردانی (به دلیل حضور فروهرها و زدودن ناپاکی‌ها)، آرامش، شادی و امید به زندگی |

| اجزای نشانه | بازنمون/ نشانه | تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح) | موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی) | خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی) |
|-------------|------------------------------------|----------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|
| | ۳- پوشیدن لباس نو | زیبایی و نظافت | با نشانه شمایی تکرار نو شدگی با نو شدن طبیعت و نشانه نمایه‌ای زندگی تازه، زیبایی، شادی و برکت (علت پوشیدن لباس نو به دلیل شباهت با طبیعت نوشده و کسب برکت و شادی) | با نشانه نمایه‌ای هویت فرهنگی و اجتماعی |
| | ۴- آب پاشیدن به زمین در نوروز بزرگ | روز ششم خرداد، رسم اجتماعی فرهنگی | با نشانه نمادین امشاسپند خرداد که آب در گیتی نماد اوست. نشانه شمایی بارش باران بر زمین | با نشانه نمایه‌ای آبادانی و برکت، شادی، انسجام اجتماعی |
| | ۵- حضور حاجی فیروز، دفزنی و سماع | خبردار کردن مردم برای سال نو، دعوت همگانی، تبریک و دریافت هدیه | با نشانه نمادین بازگشت از جهان درگذشتگان، نشانه نمایه‌ای شادی زایش دوباره، نشانه نمادین برجستگی رنگ سرخ و سیاه، با نشانه شمایی میثاق با بهار، نشانه زمستان در رنگ سیاه با نشانه شمایی تداعی دنیای سرد مردگان و رنگ سرخ به نشانه نمادین گرما و خورشید | با نشانه نمایه‌ای برکت، شادی، آرامش، با نشانه نمایه‌ای شادی و برکت با آمدن بهار |
| | ۶- چیدن سفره هفت‌سین | سفره نوروزی برای پذیرایی از بهار و خویشان | با نشانه نمایه‌ای دالی است برای پذیرایی از فروشی‌ها و کسب رضایت و خوشنودکردن ارواح، با نشانه | با نشانه نمایه‌ای بلاگردانی، برکت، آرامش و سلامتی، با نشانه‌های نمادین در محور |

| اجزای نشانه | بازنمون/ نشانه | تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح) | موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی) | خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی) |
|-------------|--------------------------------|------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| | | | نمایه‌ای ایجاد مکان مقدس در زمانی مقدس برای فره‌رها (سین‌ها در مجاورت هم دور کننده ناپاکی‌ها و جذب پاکی‌ها، مکانی مقدس در زمانی مقدس که دایره‌وار جاودانه است. | هم‌نشینی با هم طلب خیر، پاکی و باروری |
| | ۷-افروختن آتش و روشن کردن مشعل | انجام امری اجتماعی و فرهنگی | با نشانه‌های نمایه‌ای راهگشایی برای حضور فره‌رها و تکریم و احترام به درگذشتگان | با نشانه‌های نمادین و اجتماعی آگاهی و معرفت، آرامش، آسودگی، پاکی |
| | ۸- دیدوبازدیدهای نوروزی | انجام رسمی فرهنگی و اجتماعی | با نشانه‌ نمایه‌ای، شادی فره‌رها، تکریم و احترام به بزرگ‌ترها، انس و الفت | با نشانه‌ نمایه‌ای تکریم خانواده، انسجام، شورونشاط اجتماعی، تبرک‌جویی از حضور بزرگ‌ترها و آرامش و صلح |
| | ۹-رسم سیزده‌بدر | رسم نوروزی، خروج از خانه و حضور در طبیعت و انداختن سبزه روی زمین | با نشانه‌ نمایه‌ای و شمایی دوری از آشفتگی پایان سال، شادی و نشاط در دل طبیعت با نشانه‌ نمایه‌ای انداختن سبزه تحریک زمین به سبزبودن و سبزشدن | با نشانه‌ نمایه‌ای آرامش، صلح و دوستی، انسجام اجتماعی، توسعه کشاورزی |

کتابنامه

- احمدی، مرتضی. (۱۳۹۲). *پرسه در احوالات ترون و ترونیا*، چاپ اول. تهران: هیلا.
- استوری، جان. (۱۳۹۸). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده. چاپ ششم. تهران: آگه.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). «نوروز، جلوه‌گاه اسطوره آفرینش». *چاووش*. س ۱. ش ۱۲ و ۱۱. صص: ۱۵-۴.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). «نسبت اسطوره با ادبیات و فلسفه». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. ش ۳۵. صص: ۷۳-۶۳.
- اکو، امبرتو. (۱۳۹۹). *نشانه‌شناسی*. ترجمه پیروز ایزدی. چاپ چهارم. تهران: ثالث.
- الیاده، میرچا. (۱۳۶۵). «مقدمه‌ای بر فلسفه‌ای از تاریخ (اسطوره بازگشت جاودانه)». ترجمه بهمن سرکاراتی. تبریز: بی‌جا.
- ال‌گورین، ویلفرد و دیگران. (۱۳۸۵). *مبانی نقد ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ چهارم. تهران: نیلوفر.
- آموزگار، زاله. (۱۳۷۰). «نوروز». *ماهنامه کلک*. ش ۲۴ و ۲۳. صص: ۳۳-۲۳.
- امین، سیدحسن. (۱۳۸۳). «نوروز، جشن طبیعت و هویت ملی». *حافظ*. ش ۱. صص: ۹-۵.
- باشلار، گاستون. (۱۳۶۴). *روانکاو آتش*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). «نوروز، زمان مقدس». *ماهنامه چیستا*. س ۲. ش ۷ و ۸. صص: ۷۷۹-۷۷۸.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۷). *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم به کوشش جلال‌الدین همایی*، تهران: انجمن آثار ملی
- پاینده، حسین. (۱۳۹۸). *نظریه و نقد ادبی در سنامه‌ای میان رشته‌ای*. ج ۲. چاپ دوم. تهران: سمت.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، ج ۱ و ۲، تهران: اساطیر.
- تودور، اندرو. (۱۳۹۲). *نظریه و روش در مطالعات فرهنگی*. ترجمه فاطمه براتلو. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تقی‌زاده، حسن. (۱۳۴۹). *مقالات*. به کوشش ایرج افشار. تهران: چاپخانه بیست‌وپنجم شهریور.
- رجبی، پرویز. (۱۳۶۱). «نوروز، جشن‌های فروردین و فروردینگان»، *چیستا*. ش ۸. صص: ۹۹۷-۹۹۶.
- رضوی‌فر، آملی و غفاری، حسین. (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم». *فلسفه*. س ۳۹. ش ۲. صص: ۳۶-۵.

۱۲۰ پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). *معناکاوی؛ به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. چاپ اول. تهران: علم.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم. تهران: علم.
- سوسور، فردینان. (۱۳۸۲). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کوروش صفوی. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر. (۱۳۷۱). *فرهنگ مردم شاهرود*. شاهرود: مؤلف.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی و کسب‌وکار*. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود. (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران*. تهران: نگاه معاصر.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق: سودابه فضاییلی. چاپ اول. تهران: جیحون.
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «آزمون آتش». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر*. دوره جدید. ش ۸ و ۹ (پیاپی ۷)، صص: ۵۷-۳۲.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۳). *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*. تهران: علمی.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*. چاپ سوم. تهران: قصه.
- طاهری، صدرالدین. (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های رمزگذاری در آثار رنه‌مگریت». *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۹د. ش ۴۱. صص: ۱۹۴-۱۷۷.
- علوی مقدم، مهیار. (۱۴۰۰). «کارکرد معیارهای نشانه‌ای، ساختاری، ارزشی و نقشی در تحلیل فرایند زایشی معنا و دلالت‌پردازی در نظام نشانه‌ای». *مطالعات زبانی و بلاغی*. س ۱۲. ش ۲۴. صص: ۶۶-۳۷.
- فروهوشی، بهرام. (۱۳۸۸). *جهان فروری*. تهران: فروهر.
- فریزر، جیمز جورج. (۱۳۸۷). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۰). *تاریخ، اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.
- قبادی، علیرضا. (۱۳۹۲). «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی (نمونه موردی ضرب‌المثل‌های همدانی)». *نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۹د. ش ۳۰. صص: ۱۷۶-۱۵۳.
- کوپر، جی‌سی. (۱۳۸۶/۱۹۹۱). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: نشر نو.
- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- ماجدی، حمیده و زرآبادی، زهرالسادات. (۱۳۸۹). «جستاری در نشانه‌شناسی شهری». *آرمانشهر*. ش ۴.

صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «آزمون آتش». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر. دوره جدید. ش ۸ و ۹ (پیاپی ۷). صص: ۳۲-۵۷.

رضی، هاشم. (۱۳۹۴). معاد و آخرت‌شناسی در ادیان ایران قدیم. تهران: بهجت.

مدرسی، سیدجواد. (۱۳۶۶). «نوروز در تاریخ اسلام»، علوم و قرآن و حدیث. نور علم. ش ۲۰. صص: ۱۱۵-۱۰۳.

مهدوی، بتسابه (فرشته). (۱۳۸۸). سفره‌های نذری و سنت‌های کهن ایران زمین. تهران: مشق شب.

نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۹). «مقدمه». نشانه‌شناسی فرهنگ (ی). گردآوری: امیرعلی نجومیان. تهران: سخن.

ولایتی، الهام. (۱۳۹۵). «بررسی جشن‌های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده». تاریخنامه خوارزمی. س ۵. ش ۱۵. صص: ۱۶۱-۱۴۸.

یوسفی زیرابی، فریده. (۱۳۸۹). فرهنگ و آداب و رسوم سوادکوه. ساری: شلفین.

یوهانس، یورگن دنیس و لارنس، سونداریک. (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی چیست؟ ترجمه علی میرعمادی. تهران: ورجاوند.

Combe, Ian & David Crowther. (2005). The Semiology of an Advertising Campaigns Brand Repositioning. London Metropolitan University: 2 Jon, <http://www.londonmet.ac.uk/Domo-shado/library/r67150-3.p>.

Dansesi, Marcel. (2007). The Quest for Meaning: A Guide to). *Semiotic Theory and Practices*, Toronto, University of Toronto Press.

Hatim, B&Mason, I. (1990). *Discourse and Translator*, London & New York: Longman.

Kress, G & Van Leesuwen, T. (1996). *Reading Images: The Grammar of Visual Design*, London & New York: Routledge.

Pierce, C. S. (1931). *Collected papers*, Harvard University Press, Cambridge.

Saussure, Ferdinand de. (1916/1983). *Course in General Linguistics*, (trans. Roy Harris), London: Duckworth.

Violi, P. (1999). *Semiotics and Cognition* In, R. A. Wilson & F.C.Keil (Eds), The M. I. T Encyclopedia of cognitive Sciences, pp: 744-795, Cambridge M A, M. I. T press.

